

علامه طباطبائی

علامه طباطبائی (مفسر کبیر المیزان) در سال 1321 هجری قمری ...



علامه طباطبائی (مفسر کبیر المیزان) در سال 1321 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :

علامه طباطبائی، در بیست و نهم ذی حجة سال 1321 هـ. ق در شهرستان تبریز و در يك خانواده اصیل و نجیب دیده به جهان گشود. ایشان در سن پنج سالگی مادر گرامی، و در سن نه سالگی پدر مهربان خود را از دست داد و وصی شرعی پدر، (استاد فقید و برادر او مرحوم سید حسن الهی) بود که مراقبت کامل و سر پرستی علامه، و برادرش را بر عهده گرفت و به زندگانی آنان سر و سامان بخشید.

جد معروف خاندان طباطبائی، مرحوم سراج الدین عبدالوهاب حسنی حسینی است که در سمرقند متولد شد، و سپس به تبریز هجرت نموده است. این خانواده به علم و تقوا و فضیلت معروف بوده و در هر عصری شخصیت های علمی بزرگی از آن بر خواسته و یکی از آن شخصیت های بزرگ، مرحوم میرزا محمد تقی قاضی بوده که شاگرد بر جسته استاد کل، وحید بهبهانی و علامه بحر العلوم است، و با سه واسطه به حضرت استاد و با ده واسطه به جد اعلای این خانواده مرحوم میر عبدالوهاب می رسد.

تحصیلات :

علامه در نه سالگی راهی مکتب های قدیمی شد، و بعد از مدتی به مدارس جدید راه یافت و در مدت شش سال مراحل مقدماتی را پشت سر گذاشت.

علاقه و عشق شدید، استاد فقید را بر آن داشت که زادگاه خود را به عزم تحصیل در دانشگاه بزرگ شیعه (نجف اشرف) ترک کند و در دروس شخصیت های بزرگ آن حوزه که همگی از مراجع تقلید و اساتید فقه و اصول و فلسفه بودند حاضر شود و از خرمن علوم آنان، خوشه هایی بر چیند و کمال استفاده را نماید.

اساتید :

علامه طباطبائی اساتین بسیاری را ملاقات و از فیض حضورشان استفاده نموده است که از آن میان می توان به : میرزای نائینی و سید ابوالحسن اصفهانیو شیخ محمد حسین اصفهانی و سید حسین باد کوبه ای اشاره نمود.

شاگردان :

تربیت و پرورش شخصیت های علمی و فکری که بسیاری از آنان جزو اساتید حوزه و صاحبان فکر و قلم می باشند توسط نفوس ملکوتی ایشان به مقام والائی رسیده اند.

تألیفات :

آثار و تألیفات علامه طباطبائی بیش از آن است که در این مختصر آورده شود ولی از باب تبرک به برخی از آنها اشاره می‌گردد.

1- رساله در برهان.

2- رساله در مغالطه.

3- رساله در تحلیل.

4- رساله در ترکیب .

5- رساله در اعتباریات .

6- رساله در نبوت و منامات .

7- رساله در اثبات .

8 رساله در اسماء و صفات .

9- رساله در افعال .

10- رساله در وسایط میان خدا و انسان .

11- رساله انسان قبل از دنیا .

12- رساله انسان در دنیا .

13- رساله انسان بعد از دنیا .

14- رساله در ولایت .

15- رساله در نبوت .

16- تفسیر المیزان که در 20 جلد منتشر شده است .

17- اصول فلسفه (روش رئالیسم) . (در پنج جلد) .

18- حاشیه کفایه الاصول .

19- حاشیه بر کتاب (اسفار) ملاصدرا.

20- وحی یا شعور مرموز

گفتار بزرگان :

آقا زاده محترم‌ش در مورد استاد چنین می‌گوید : به علت کسالتی که داشت با مشورت طبیب مخصوص وی، نمی‌خواستیم به مسافرت برود، پس از مراجعت از مشهد، گفتم خلاصه به مشهد رفتید؟ فرمود : پسر، مگر جز مشهد جای دیگری هم هست که آدم بتواند دردهایش را بگوید و درمانش را بگیرد؟

یکی از علما نقل می‌کند لحظات آخر بالای سرشان ایستاده بودم، اغلب بیهوش بودند و حرفی نمی‌زدند، ناگهان یکباره از جایشان بلند شدند، گفتم چه شد؟ فرمودند : عزیزی که منتظرشان بودم آمدند.

خصوصیات اخلاقی :

یکی از خصوصیات اخلاقی ایشان زندگی عارفانه ای بود که قریب شصت سال سالک این راه بود و بر نتایج درخشانی از نظر صفای روحی و کمال نفسانی دست یافته بود.

یکی دیگر از خصوصیات اخلاقی ایشان این بود که اسم تمام اساتید بزرگ خود را با کمال احترام نام می برد. ولی نسبت به شیخ محمد حسین اصفهانی عشق می ورزید و نسبت به او اظهار اخلاص می کرد و در مقام تعبیر از او چنین میفرمود : (شیخ ما چنین می فرماید).

او هر ساله به مشهد مشرف می شد حتی در پنج و شش ماه آخر عمر با همه کسالتی که داشت به مشهد مشرف شد. یکی از بستگان نزدیکش می گفت : با آغوش باز با آن کهولت سن و کسالت، جمعیت را می شکافت و با علاقه ضریح را می بوسید و توسل می جست که گاهی به زحمت او را از ضریح جدا می کردیم، او می گفت : من به حال این مردم که این طور عاشقانه ضریح را می بوسند، غبطه می خورم.

مقام علمی :

علامه طباطبائی به سه مکتب تسلط کامل داشت، متون فلسفه (مشا) را مانند (شفا) و (اشارات) با توجه به شروح و حواشی که بر آنها نوشته شده بود مانند یک فیلسوف مشایی، تدریس می کرد و از مبانی آن دفاع می نمود.

فلسفه اشراق را که شیخ و استاد آن، شیخ شهاب الدین اشراقی سهروردی است و بهترین متن در این مورد، دو کتاب فیلسوف نامبرده به نامهای (تلویحات) و (حکمه الاشراق) است، مانند یک فیلسوف اشراقی تجزیه و تحلیل می نمود.

در فلسفه (حکمت متعالیه) حقا استاد کم نظیر بود و تعلیق ارزنده ای هم بر اسفار نوشته است که گواه روشن بر تسلط فوق العاده او بر مبانی مرحوم صدر المتألهین است.

خدمات :

از جمله خدمات شایان تقدیر علامه این است که وی بر اساس تسلط و احاطه کامل بر فلسفه، مسائل فلسفی را به صورت مسائل هندسی در آورده است، به گونه ای که معمولا مسأله بعدی از مسأله قبلی به روشنی استنتاج می شود، و این مزیت در دو کتاب (بدایه الحکمه) و (نهایه الحکمه) به خوبی به چشم می خورد. و از این طریق کمک مؤثری به صرف جویی در وقت دانشجویان فلسفه نموده است. از دیگر کارهای با اهمیت ایشان جدا سازی آن دسته از مسائل فلسفی که یونانیان آنها را پی ریزی کرده بودند، از مسائل فلسفی است که فلاسفه اسلامی در طول ده قرن آن را پایه گذاری نموده اند. وی با دقت و موشکافی و تتبع در مجموع کتاب های فلسفی که از قرن دوم اسلامی تاکنون نوشته شده و در دسترس قرار دارند، مسائلی را که یونانیان پایه گذار آن بودند و به فلسفه اسلامی منتقل شده است و مسائلی که فلاسفه اسلامی آن ها را پی ریزی کرده اند، جدا ساخته است و در این جدا سازی به این نتیجه رسیده است که مسائل فلسفی روزی که از یونان به حوزه های اسلامی منتقل شده است از 200 مسأله تجاوز نمی کرد در حالی که به همت والای فلاسفه اسلام این مسائل به 700 مسأله بالغ گردیده است .

فعالیت :

استاد فردی از جامعه علمی اسلامی بود، طبعا کارهای او باید کار فردی باشد و کار فردی نیز قابل قیاس با کار دسته جمعی نیست، عظمت و اتفاق کار گروهی بر کسی پوشیده نمی باشد ولی در این میان، گاهی افرادی پیدا می شوند که به تنهایی، امت و گروه شمرده می شوند قرآن درباره ابراهیم این تعبیر را دارد.

(ان ابراهیم کان امه) - سوره نحل آیه 120 - ترجمه : (ابراهیم برای خود امتی بود)، به حق باید به علامه طباطبائی را فردی خواند که کار امتی را انجام داد. کارهای فوق العاده و با عظمت که جز بدون لطف الهی امکان پذیر نیست.

عصاره خدمات استاد :

1 - پی ریزی شیوه تازه از تفسیر که کاملا بدیع و ابتکاری است.

2 - اشاعه تکفر فلسفی و عقلی در میان بسیار از فضلا و دانشمندان.

3 - کوشش در تفهیم مسائل فلسفی و ملموس ساختن بسیاری از مسائل پیچیده آن .

4 - کوشش در نشر آثار اهل بیت و دعوت اکید به مطالعه و بررسی آثار و احادیثی که از آن

ها به یادگار مانده است.

5 - جمع میان مفاهیم قرآنی با آن چه که در اخبار خاندان رسالت از طریق مصاحبه ها وارد شده است.

6 - اشاعه فکر شیعی در خارج از جهان اسلام از طریق مصاحبه و مکاتبه.

7 - حل بسیاری از اخبار مشکل و پیچیده .

8 - اشاعه طریق سیر و سلوک در میان افراد مستعد.

9 - ایجاد فکر برگشت به قرآن و عمل به آن در تمام زمینه ها بود. این خدمت نه تنها در حوزه

علمیه قم اثر عمیق گذاشت و طلاب با استعداد را متوجه مطالعه قرآن و بررسی آن از جهات مختلف نمود بلکه در محیط دانشگاه و در میان عده ای از اساتید و دانشجویان اثر به سزایی گذاشته و این کار در بارور کردن و توجه دادن جوانان پر شور ایران برای انقلاب و ایجاد حکومت قرآن و تشویق و ترغیب آنان تأثیر فراوانی داشت.

مسافرت :

علامه طباطبایی در سال 1314 هـ . ش، به علی که خود در زندگی نامه خویش اجمال آن را نگاشته است تصمیم می گیرد به زادگاه خود باز گردد، وی در این مورد می نویسد : سال 1314 هـ . ش در اثر اختلال وضع معاش ناگزیر از مراجعت به زادگاه اصلی خود شدم و ده سال و اندی در آن سامان به سر بردم که حقا باید این دوره را در زندگی خود دوره خسارت بنامم زیرا در اثر گرفتاری و ضرورت تأمین معاش (که از راه فلاحیت بود) از تدریس و تفکر علمی جز مقدار ناچیز باز مانده و پیوسته با يك شکنجه درونی به سر می بردم.

در سال 1324 هـ ش، که آتش جنگ جهانی دوم فرو نشست، و متفقیین اشغالگر یکی پس از دیگری ایران را تخلیه کردند علامه تصمیم گرفت بساط زندگی را از تبریز جمع کند و به یکی از مراکز علمی مانند قم منتقل گردد در این مورد به قرآن مجید تفال زد و این آیه آمد :

(هنالك الولاية لله الحق هو خير ثوابا و خیر عقبا) سوره كهف آیه 44 ترجمه : آنجا ولایت خاص خداست که به حق فرمان دهد و بهترین پاداش و عاقبت نیکو را عطا کند.

بنابر این در سال 1325 هـ . ش، زادگاهش را به عزم اقامت در قم ترك کرد و سی و پنج سال تمام در حوزه مقدسه به تدریس و تألیف و تربیت و تهذیب نفوس، پرداخت و زحماتی سنگین را در این راه متحمل گردید. وی در زندگی نامه خود در این قسمت چنین می نویسد : (در سال 1325 هـ . ش از سر و سامان خود چشم پوشیده زادگاه اصلی را ترك گفتم و متوجه حوزه علمیه قم شدم، بساط زندگی را در این شهر گستردم و دوباره اشتغالات علمی را از سر گرفتم و تاکنون روزگار خود را در این سامان می گذرانم).

وفات :

سر انجام این حکیم فرزانه در روز یکشنبه هیجدهم محرم الحرام سال 1402 هـ . ق برابر بیست و چهارم آبان ماه 1360 هـ . ش به دنبال يك کسالت طولانی چشم از جهان فرو بست. و پیکر پاکش را بعد از تشییع با شکوه در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) به خاک سپردند.